

تحقیق اقدامی مشارکتی* (تسهیل‌گر تحولات مشارکت‌جو)

دکتر محمدتقی ایمان*

سعیده گروسی**

چکیده

تحقیق اقدامی مشارکتی، رهیافتی جدید در علوم اجتماعی و روان‌شناسی تلقی می‌شود که معتقد است، نباید افراد مورد مطالعه در یک پروژه تحقیقاتی را صرفاً به عنوان یک آزمودنی یا عضوی از جامعه‌ی آماری محسوب کرد. در این تحقیق کلیه‌ی افرادی که با مسئله مورد تحقیق درگیر هستند، در کلیه مراحل تحقیق با تسهیل‌گر تحقیق (محقق) همکاری نزدیک می‌کنند. در این تحقیق، کنش و دانش، ارتباطی دوسویه با یکدیگر دارند و هدف اصلی جلب مشارکت افراد درگیر با مسئله و ایجاد تغییر در وضعیت موجود است. معمولاً مشارکت‌کنندگان کسانی هستند که در موقعیت پایین اجتماعی به سر می‌برند. اعتماد، اطمینان و همکاری نزدیک محقق با این افراد، زمینه‌ای پدید می‌آورد که نه تنها وضعیت موجود تغییر می‌کند، بلکه افراد را به انسان‌هایی فعال، پویا، قدرتمند، تصمیم‌گیرنده و منتقد تبدیل می‌نماید.

در این مقاله، ضمن معرفی تحقیق اقدامی مشارکتی و ذکر ویژگی‌های آن، به تفاوت‌های بنیادی آن با تحقیقات مرسوم علوم اجتماعی اشاره شده است. مروری بر مبانی فلسفی و اصول هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی این تحقیق، جایگاه پارادایمی آن را روشن نموده است. تشریح مختصر مراحل انجام یک تحقیق اقدامی، علاقمندان به این نوع تحقیق را در اجرای عملی آن یاری می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: روش‌شناسی، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تحقیق اقدامی مشارکتی، مبانی فلسفی.

* participatory action research.

** استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان.

✉ دانشیار بخش علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.

مقدمه

اغلب انتظار می‌رود صاحبان مشاغلی نظیر تدریس، امور بهداشتی و درمانی، مددکاری، مدیریت و محققان علوم اجتماعی در معنای عام، مانند مکانیک یا تکنسین عمل کنند. در حالی که آنها می‌توانند محققان و کارکنان خلاق و مبتکری باشند. دیدگاه‌های جدید، به کارگیری بدون تفکر روش‌های استاندارد را در همه‌ی مشاغل و همه‌ی عرصه‌های تحقیق رد می‌کند. علی‌رغم رواج کاربرد روش‌های استاندارد برای حل مسائل انسانی، رهیافت جدیدی در علوم اجتماعی پدید آمده که معتقد است؛ کلیه افرادی که مسئله‌ی مورد تحقیق به طور مستقیم با زندگی آنها در ارتباط است، نباید صرفاً به عنوان موضوع تحقیق در نظر گرفته شوند، بلکه باید در کلیه‌ی مراحل تحقیق، نقش فعال و پویا داشته باشند. به گفته براون و تاندون^۱ اگر واقعیت را به عنوان ارتباط دیالکتیکی بین شناسا و موضوع شناسایی (ابژه و سوژه) در نظر بگیریم، قاعدتاً باید از روش‌های تحقیقی که مردم را به عنوان محققان در جریان تحقیق دخالت می‌دهند، استفاده کنیم (اسمل، ۱۹۹۵، ص ۶).

تحقیق اقدامی مشارکتی به جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و دست‌اندرکاران مسائل انسانی این امکان را می‌دهد که از مهارت‌ها و آموخته‌هایشان، جهت تغییر اجتماعی مثبت استفاده کنند. به علاوه، به محققان کمک می‌کند تا به تولید دانش در میدان مورد تحقیق بپردازند. این نوع تحقیق، چارچوبی فراهم می‌آورد که دست‌یابی به تغییرات امکان‌پذیر گردد. کسانی که با اجتماعات انسانی سروکار دارند، با استفاده از این چارچوب می‌توانند زمینه‌ی علمی خود را با ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیوند دهند (میلر، ۱۹۹۷، ص ۶۵۷).

پیتر ریزون، تحقیقاتی را که بر مبنای مشارکت افراد مورد مطالعه در جریان تحقیق و مداخله در فرآیندهای اجتماعی شکل گرفته‌اند، تقسیم‌بندی کرده است. وی سه نوع تحقیق مبتنی بر مشارکت و مداخله را نام می‌برد.

۱. تحقیق همکاری^۲

۲. تحقیق اقدامی مشارکتی^۳

۳. تحقیق اقدامی^۴

1. brown and tandon.

2. cooperative inquiry.

3. participatory action research.

4. action research.

از نظر ریزون، این سه رهیافت به کمک یکدیگر پارادایم تحقیق با مردم را می‌سازند (ریزون، ۱۹۹۸، ص ۲۶۳). از آنجا که تحقیق اقدامی مشارکتی بر وجوه سیاسی تولید معرفت تأکید می‌کند، اهمیت بسزایی دارد. همان‌طور که رحمان و فالس بوردا اشاره می‌کنند، این نوع تحقیق، جایگزین سنت دیرینه‌ی جنبش‌های آزادیخواهانه شده است (همان، ص ۲۹۸). در این تحقیق، روشنگری و آگاه کردن مردم در درجه اول و توجه به معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در مرحله بعد اهمیت قرار دارد. از آنجا که دانش و تجربه‌ی مردم به خودی خود مهم و با ارزش تلقی می‌شود، هدف اساسی این تحقیق تولید دانش و کنش کاملاً سودمند با افراد مورد مطالعه است. قدرتمند کردن مردم با استفاده از دانش شخصی‌شان، هدف دیگر این تحقیق تلقی می‌شود. این نوع تحقیق به مشارکت واقعی و خالص مردم که ریشه در سنت‌های فرهنگی عامه‌ی مردم دارد، اهمیت می‌دهد. دموکراسی، همکاری و دیگر خواهی از مشخصات آن است. گفت و گو ابزار محوری این تحقیق است؛ زیرا از طریق گفت و گو ارتباط سنتی سوژه و ابژه^۱ که متعلق به علم سنتی است، جای خود را به ارتباط (سوژه - سوژه)^۲ می‌دهد (همان، ۲۷۰). به بیان دیگر کلیه افراد مورد تحقیق، به مشارکت‌کنندگان در فرایند تحقیق و همکاران تحقیق تبدیل می‌شوند. یکی از اصول اساسی این تحقیق، اعتقاد به مشارکت افراد درگیر مسئله در کلیه مراحل تحقیق (تنظیم دستور کار، گردآوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها، کنترل و نظارت بر استفاده از نتایج تحقیق) می‌باشد. به گفته هال^۳ تحقیق اقدامی مشارکتی را می‌توان به عنوان فرآیند تحقیق، آموزش و کنش تعریف کرد (میلر، ۱۹۹۷، ص ۶۵۸). در این تحقیق، فاصله‌ی بین محقق و افراد مورد تحقیق (که در روش تحقیق پوزیتویستی، اصلی اساسی قلمداد می‌گردد) به چالش در می‌آید و موضوعات تحقیق فرصت می‌یابند که نقش فعالی در تحقیق به عهده گیرند. از سوی دیگر، جهت‌گیری این رهیافت تحقیقاتی اغلب به سوی گروه‌هایی است که اعضایشان به طور سنتی مورد بهره‌کشی و استثمار قرار گرفته‌اند. این تحقیق، ریشه در تحقیقات کیفی علوم اجتماعی دارد و از چند جهت از تحقیقات مرسوم متمایز می‌شود. این انفاکاک و تمایز از بنیان‌های فلسفی این نوع تحقیق آغاز شده و به مسائل نظری، ایجاد اعتماد و اطمینان بین محقق و افراد مورد تحقیق، استخراج معرفت از تجربه‌های فردی هر یک از

1. subject-object.

2. subject - subject.

3. Hall.

اعضای گروه، اشتراک عقیده در خدمت به گروه، توسعه‌ی روش‌ها و ابزارهای تحقیق اقدامی، ارزیابی یافته‌ها به وسیله اعضای گروه ختم می‌شود (اسکوبرت، ۱۹۹۶، ص ۲۳۲). تحقیق اقدامی مشارکتی به دنبال جلب مشارکت مستقیم افراد در ارائه‌ی راه‌حل، برای مشکلاتی است که در حیات سازمانی و اجتماعی آنها بروز می‌کند. وظیفه پژوهش‌گر این است که فعالیت‌ها را تنظیم و از آنها حمایت کند، نه اینکه مسیر فعالیت‌ها را در جزئیات تعیین نماید. مشارکت، کلید احساس تعلق است که مشارکت‌کنندگان را با صرف زمان و انرژی در کمک به شکل‌گیری نوع و کیفیت زندگی اجتماعی خود تشویق می‌کند. از آنجا که مشارکت یکی از اجزای اصلی تحقیق اقدامی است، اتوه و کمیس پیشنهاد می‌کنند که پس از تشکیل گروه‌های تحقیق، امکانی فراهم شود تا اعضای گروه‌ها بتوانند با یکدیگر به مبادله اطلاعات، بحث و گفت‌وگو بپردازند. حتی برای تأمین این موضوع می‌توان سمینارها و کارگاه‌هایی نیز ترتیب داد (اتوه و کمیس، ۱۹۹۸، ص ۵). البته درجات مشارکت با توجه به ویژگی‌های افراد و گروه‌ها متفاوت است. مثلاً ممکن است، برخی افراد احساس حاشیه‌ای بودن کنند و نقش خود را در حد تأیید نظر دیگران بدانند؛ ممکن است بعضی اعضا قادر نباشند که نظرهای خود را بیان کنند یا طرح نظر خود را در کنار عقاید حرفه‌ای محققان و کارشناسان، سبک و حقیر شمارند.

اکثر طرح‌های تحقیق اقدامی مشارکتی، محصول مشارکت محققان حرفه‌ای و شرکت‌کنندگان در تحقیق است. محققان بسیار صریح و بی‌پرده عقیده خود را اعلام می‌کنند و از دیگران نیز چنین انتظاری دارند. از نظر ریزون، واقعیت‌های اجتماعی از مشارکت ذهنی افراد ساخته شده است. این نوع نگرش، اساس تحقیق اقدامی است (ریزون، ۱۹۹۸، ص ۲۶۲). اصولاً این رهیافت بر این اصل مهم مبتنی است که تهیه‌کنندگان اطلاعات، صاحبان اطلاعات هستند؛ بنابراین، مشارکت این افراد در فرآیند تحقیق ضروری است. به عقیده ریزون، این شیوه تحقیق ریشه در روان‌شناسی اجتماعی دارد. استفاده‌کنندگان از این تحقیق اعتقاد راسخ دارند که انسان‌ها به صورت بالقوه و بالفعل سازندگان کنش‌های خود هستند. با این پیش‌فرض، همه کسانی که در تحقیق شرکت می‌کنند، همکار محقق تلقی می‌شوند. این نوع پژوهش بر سه عنصر اساسی تأکید می‌کند: اطلاعات معتبر، انتخاب آزادانه‌ی افراد و اجماع گروهی (عبید، ۱۹۹۸، ص ۲۷۴).

یکی از بنیان‌های فکری تحقیق اقدامی مشارکتی، قدرتمند ساختن افراد درگیر مشکل یا مسئله است. قدرتمندسازی، فرآیندی است که هر کس تنها می‌تواند برای خودش اجرا کند و چیزی نیست که دیگری بتواند آن را برای فرد انجام دهد (میلر، ۱۹۹۷، ص ۶۶۲). شیوه‌های رایج تحقیقات علوم اجتماعی اغلب بدون توجه به ارتباط بین دانش و قدرت پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارند. این تحقیقات با هدف کنترل و اعمال قدرت یک گروه از افراد بر دیگران، تولید شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند (چاتاوی، ۱۹۹۷، ص ۷۵۰).

تحقیق اقدامی مشارکتی سعی می‌کند، از طریق شکستن سلسله مراتب قدرت معمول بین محقق و افراد مورد تحقیق، به تقسیم قدرت کمک کند. به گفته‌ی رحمان، مردمی که همیشه تحت انقیاد و ستم بوده‌اند، در فرآیند تحقیق اقدام مشارکتی یاد می‌گیرند که چگونه می‌توان محیط پیرامون را از طریق عمل^۱ تغییر داد (عبید، ۱۹۹۸، ص ۷۵۰). بنابراین محققان با واردارند که این رهیافت با تقسیم و تسهیم قدرت^۲، به اصلاح روابط اجتماعی ستمگرانه می‌پردازد.

اهداف تحقیق اقدامی مشارکتی

۱. تبدیل روابط نابرابر محقق و افراد مورد تحقیق به فرآیند حل مسئله^۳ و تحقیق دو سویه.
۲. فراهم کردن امکان تجربه‌ی کنترل و مالکیت سرمایه‌ی فکری^۴ برای گروه‌هایی که به طور سنتی تحت انقیاد بوده‌اند. این امکان، با توجه کردن به آنها از طریق پرسیدن سؤالاتی که آنها درباره‌ی آن فکر می‌کنند، مهم‌اند. در این نوع تحقیق صحبت کردن به زبان افراد مورد تحقیق و تصمیم‌گیری آنها درباره‌ی چگونگی استفاده از نتایج تحقیق، فراهم می‌شود.
۳. ایجاد انگیزه‌ی تغییر در موقعیت افرادی که درگیر یک مسئله خاص هستند و رشد ادراک آنها از مسئله.
۴. افزایش گروه محققان اقدامی محلی که از حمایت لازم برخوردار باشند (عبید، ۱۹۹۸، ص ۷۵۱). تحقیق اقدامی مشارکتی صرفاً درصدد حل مسائل و مشکلات نیست، بلکه اهداف جانبی این تحقیق عبارتند از: ارتقای کیفیت و کمیّت کار با یکدیگر، مقابله با

1. praxis.

2. power-sharing approach.

3. problem-solving.

4. intellectual property.

سلطه و قدرت بیش از حد روش‌های فنی و اداری، توجه به ویژگی‌های انسانی نظیر احساسات، ادراک و...، افزایش مشارکت و پرهیز از فرآیندهای رقابت‌جویانه، ستیزه‌جویانه و تعارض‌آمیز.

اگر اهداف مذکور را با روش‌های سنتی تحقیق که اکنون در علوم اجتماعی به طور عام و جامعه‌شناسی به طور خاص رایج است مقایسه کنیم، تفاوت‌هایی را مشاهده می‌کنیم که اهم آنها عبارتند از:

- تحقیق اقدامی مشارکتی، تحقیقی دموکراتیک است. بنابراین، این گونه تحقیقات توسط پژوهشگران سنتی هدایت و رهبری نمی‌شود، چرا که نقش محقق در روش تحقیق مشارکتی، تنها در حد یک تسهیل‌گر تحقیقاتی است (اسکات و ویکز، ۱۹۹۸، ص ۲۴۳).

- از آنجا که تحقیق اقدامی مشارکتی با هدف ایجاد تغییر و اصلاحات انجام می‌شود، فرض بی طرفی ارزشی^۱ فرضی بی‌اساس است.

- از آنجا که روش تحقیق مشارکتی اعتقادی به دانش معتبر و تئوری‌های از پیش تعیین شده ندارد، مطالعه ادبیات تحقیق در این دیدگاه جایگاه مهمی ندارد.

- در این دیدگاه تهیه طرح تحقیقاتی و فرضیه‌های قابل آزمون اهمیت بنیادی ندارد.

- تحقیق اقدامی مشارکتی برای پاسخ‌گویی به مشکلات خاص و تغییر در وضعیت موجود انجام می‌شود، نه برای تئوری‌سازی (عبید، ۱۹۹۸، ص ۲۴۶).

- کنترل متغیرها در تحقیق اقدامی، به خصوص تحقیقاتی که در سطح سازمان‌های بزرگ انجام می‌شود، غیر ممکن است.

- از آنجا که هدف اساسی تحقیق، حل مسائل مربوط به یک موقعیت خاص اجتماعی است، به تعمیم‌پذیری یافته‌ها توجه نمی‌شود. البته رویینسون عقیده دارد، در کلیه روش‌های مبتنی بر حل مسئله، تعمیم به این وابسته است که آیا در طرح اولیه کار، نمونه‌گیری و بازنمایی نمونه مد نظر بوده یا نه (رویینسون، ۱۹۹۳، ص ۱۲۹).

- تحقیقات سنتی، به خصوص تحقیقات اثباتی، بر نظریه محققان تأکید می‌کنند و به نظریه و دیدگاه کنشگران توجهی ندارند. تاندون در همین راستا انتقاداتی به تحقیقات سنتی وارد کرده است:

1. value free.

۱. مطالعات اجتماعی به روش سنتی، مطلق‌گرا^۱ هستند، در حالی که هدف تحقیقات اجتماعی صرفاً تولید دانش نیست؛ زیرا فرض وجود حقیقت مطلق در امور اجتماعی اشتباه است.

۲. تحقیق اقدامی مشارکتی به جزم‌گرا^۲ بودن در علوم اجتماعی حمله می‌کند و منکر مرزبندی‌های دقیق و مشخص بین محقق و موضوع تحقیق است.

۳. تحقیقات سنتی به شدت عقل‌گرا^۳ هستند. در این تحقیقات تأکید بیش از حدی بر تفکر شده و عواملی نظیر احساس و کنش نادیده گرفته شده است (ریزون، ۱۹۹۸، ص ۲۷۱).

با این توضیحات می‌توان تفاوت‌های تحقیق اقدامی مشارکتی و تحقیقات سنتی در علوم اجتماعی را به صورت ذیل خلاصه و دسته‌بندی کرد:

۱. تفاوت در نحوه‌ی ارتباط محقق و همکارانش در جریان مطالعه؛

۲. تفاوت نقش‌های هر یک از افراد شرکت‌کننده در تحقیق؛

۳. تفاوت روش جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها؛

۴. تفاوت در نتایج مورد علاقه‌ی مطالعه.

در انجام هر تحقیق اقدامی مشارکتی باید توجه داشت که موضوع مورد بررسی، ویژگی‌های مناسب برای قرار گرفتن در حیطه این نوع تحقیق را داشته باشد. یعنی اولاً موضوع باید به لحاظ تجربه‌ی اجتماعی اصلاح‌پذیر باشد. ثانیاً پروژه باید کلیه مراحل برنامه‌ریزی، اقدام یا عمل، مشاهده نتایج و تفکر انتقادی را در بر گیرد. ثالثاً پروژه باید به نحوی کلیه افراد ذی‌نفع را در مراحل تحقیق درگیر نماید، تا همه بتوانند از تجارب عملی یک‌دیگر سود ببرند. از سوی دیگر، شرکت‌کنندگان در این تحقیق باید فعالانه در فرآیند تولید دانش شرکت کنند. باید آنها را تشویق کرد تا در کلیه مراحل تحقیق، هدف اصلی تحقیق را فراموش نکنند و مهم‌تر از همه اینکه باید به آنها تفهیم کرد که کل فرآیند تحقیق یک فرآیند فعال، همکارانه و انتقادی است (اسپلاند، بوروکر، ۱۹۹۸، ص ۲۸۳).

به عقیده والکر، در این نوع تحقیق، برخلاف تحقیقات سنتی، ما با چند ویژگی خاص مواجه هستیم: اعضای اصلی گروه هدف که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، باید مسئله تحقیق را

1. absolutist.

2. purist.

3. rationalist.

با اهمیت تلقی کنند؛ شیوه‌های تحقیق و انواع داده‌ها باید برای شرکت‌کنندگان قابل اطمینان باشد؛ نتایج تحقیق باید به طور بالقوه به مسائل مطرح شده پاسخ بدهند و تمام گروه‌هایی که تحت تأثیر تغییرات ناشی از پروژه مورد نظر قرار می‌گیرند، یا کسانی که باید تغییرات را تحقق بخشند، در تحقیق دخالت داشته باشند (والکر، ۱۹۹۳، ص ۲). به طور کلی مشخص‌ترین ویژگی‌های تحقیق اقدامی مشارکتی عبارتند از:

- این تحقیق یک فرآیند و فعالیت اجتماعی است. بر اساس نظریه‌ی عدم جدایی فرد از جمع و پیوستگی روابط فردی و جمعی، این تحقیق سعی می‌کند ارتباطات فردی و جمعی را در مجموع بررسی و مورد توجه قرار دهد. زمانی که مردم بدانند که به عنوان یک فرد، در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند و دوباره نیز می‌توانند با هم مرتبط باشند، بهتر و راحت‌تر می‌توان تحقیق اقدامی را انجام داد (اتوه و کریستن سن، ۱۹۹۸، ص ۱۲۰).

- این تحقیق از نوع مشارکتی است؛ چرا که افراد را وادار به آزمون معرفت‌ها، ادراکات، مهارت‌ها و ارزش‌های خود در ارتباط با دیگران می‌کند، مضاف بر این که افراد در گروه‌های تحقیقی درباره‌ی خودشان تحقیق می‌کنند، نه درباره‌ی دیگران (همان).

- این تحقیق همکارانه^۱ است؛ به این معنا که محققان و افراد ذی نفع در تحقیق که در فرآیند تحقیق مشارکت دارند، به عنوان گروهی که به طور دائم در حال تعریف و باز تعریف اهداف تحقیق هستند، مطرح می‌باشند (مکفرسون، ۱۹۹۸، ص ۱۵۱).

- این تحقیق رهایی‌بخش^۲ است؛ چرا که یکی از اهداف این تحقیق کمک به مردم در بازیابی و آزادسازی خود از فشار ناشی از ساخت‌های اجتماعی غیر عقلانی، غیر مولد، غیر منصفانه و ناراضی‌کننده‌ای است که به محدودیت رشد فرد منجر می‌شوند (کمیس و ویلکینسون، ۱۹۹۸، ص ۲۴؛ استرینگر، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

- این تحقیق انتقادی است؛ چرا که به بازیابی و رهاسازی مردم از قید اجبارهای مستتر در ارتباطات اجتماعی کمک می‌کند. این تحقیق الزاماً به فرآیند نقد ساختارهای غیر عقلانی، غیر مولد و غیر منصفانه، کنش متقابل در قالب‌های توصیف جهان (یعنی زبان)، زویه‌های کارکردن (یعنی کار) و شیوه‌های ارتباط با دیگران (قدرت) تبدیل می‌شود (اتوه و کریستن سن، ۱۹۹۸، ص ۱۲۰).

1. collaborative.

2. emancipatory.

- این تحقیق جهت‌گیری عملی^۱ دارد. افراد در این تحقیق، در جریان تشخیص مشکلات عمل، راه‌حل‌های احتمالی، کاربرد راه‌های پیشنهادی و مرور نتایج قرار می‌گیرند (مکفرسون، ۱۹۹۸، ص ۱۵).

- ایجاد صداقت و اعتماد در این نوع تحقیق با تولید اعتماد در سطح بالا، اهمیت زیادی دارد.

- در این تحقیق قدرت و اقتدار همه‌ی شرکت‌کنندگان در کلیه‌ی مراحل تحقیق و بهره‌گیری نهایی از نتایج تحقیق، مشارکتی است و قدرت در دست یک فرد (محقق) جمع نشده است (عیبید، ۱۹۹۸).

- توانمندسازی:^۲ این تحقیق به افراد مشارکت‌کننده، قدرت مبارزه با محدودیت‌های مسلط بر انسان را اعطا می‌کند (دیویس و کوک، ۱۹۹۸، ص ۸۲).

- در این تحقیق روش‌های مختلف تحقیق (کمی و کیفی) توانایی ترکیب با یکدیگر را دارند (اسکات و ویکز، ۱۹۹۸، ص ۲۴۳).

تاریخچه تحقیقات اقدامی مشارکتی

تحقیق اقدامی مشارکتی به آن دسته از الگوهای تحقیق عملی اطلاق می‌شود که از ابزار انسان‌شناسی جهت ارائه‌ی راه‌حل عملی برای مشکلات اجتماعی بهره‌گیرد. مثلاً کارهای گودیناف و کورت‌لوین^۳ از این دسته هستند. تحقیق اقدامی برای نخستین بار در سال ۱۹۴۶ توسط کورت‌لوین معرفی گردید. لوین تصویر روشنی از تحقیق اقدامی ارائه نمود که در آن تفاوت‌های اساسی این روش با روش‌های اثباتی کاملاً مشهود است. مجموعه یادداشت‌های او در سال‌های ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶، نشانگر اهتمام جدی وی در پایه‌گذاری روشی است که توان مقابله و رفع مسائل بحرانی نظیر فاشیسم، فقر، تخصصات اجتماعی، مسائل اقلیت‌ها و... را داشته باشد. لوین این نوع تحقیق را به عنوان یک تحقیق تطبیقی از شرایط و اشکال متنوعی از کنش اجتماعی و تحقیق منتهی به کنش اجتماعی می‌داند (ایمان، ۱۳۷۹، ص ۲۰۴).

امیلی کالهن معتقد است این نوع تحقیق در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، توسط کورت‌لوین

1. action-oriented.

2. empowerment.

3. Kurt Lewin.

و همکارانش به عنوان حلقه حل مسئله^۱ با هدف اصلاح سازمان‌ها مطرح شده بود (کاهون، ۱۹۹۳، ص ۶۲). اصطلاح تحقیق اقدامی به تحقیق با قاعده‌ای اشاره می‌کند که تلاش مستمری برای اصلاح کیفی یک سازمان و کنش‌های آن را بر عهده دارد. امروزه تحقیق اقدامی یک ابزار بسیار قوی برای اصلاح کنش‌های گروهی، وضعیت بهداشت و امور سازمانی است.

تحقیق اقدامی^۱ مشارکتی، تحت تأثیر رشته‌های علمی و محققان مختلفی از سراسر دنیا شکل گرفته است. اصطلاح تحقیق مشارکتی، برای نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط مارشا لیزا سوانتز^۲ به کار گرفته شد. او این اصطلاح را برای توصیف فرآیند پیوند دانش و تجربه‌های اعضای اجتماعی محلی تانزانیا برای ایجاد پروژه‌های توسعه‌ی کنترل شده به کار برد (میلر، ۱۹۹۷، ص ۶۵۸). سپس اورلاندو و فالس^۳ بوردا^۴ این اصطلاح را برای توصیف کوشش‌های مشابه در کلمبیا به کار بردند. آنها بر مؤلفه‌ی تغییر اجتماعی کار تأکید فراوانی داشتند. تقریباً هم‌زمان با آنها، راجش تاندون^۴ در هندوستان به گسترش رهیافت مشابهی برای انجام تحقیقات اجتماع مبنای دست زد. در آمریکا و کانادا، توسعه این نوع تحقیقات مدیون کار مؤسساتی نظیر مرکز تحقیقاتی هایلندر^۶، مرکز مشاوره بین‌المللی برای آموزش بزرگسالان^۷ و محققان منفردی نظیر دونالد کامستوک^۸ راشل فاکس^۹ و پاتریشیا ماگویر^{۱۰} می‌باشد.

هستی‌شناسی^{۱۱} و معرفت‌شناسی^{۱۲} تحقیقات اقدامی مشارکتی

این نوع تحقیق از ارتباط عمیق و غیر قابل انفکاک محقق و افراد مورد تحقیق پدید آمده است. همانطور که ریزون اشاره می‌کند، ما، واقعیت‌ها را در فرآیندی فردی و جمعی می‌سازیم و دانش ما نسبت به واقعیت، از طریق مشارکت اجتماعی پدید می‌آید (ریزون، ۱۹۹۸، ص ۷۶). ساخت واقعیت در این نوع تحقیق به طور ذهنی آشکار نمی‌شود، بلکه از

1. problem solving cycle.
2. Marcha Lissa Swantz.
3. Oorlando and Fals-Borda.
4. Rajesh Tandon.
5. community-based.
6. Highlander Research Center.
7. International Council for Adult Education.
8. Donald Comstock.
9. Russell Fox.
10. Patricia Maguire.
11. ontology.
12. epistemology.

طریق کنش انتقادی^۱ پدید می‌آید. پس ثنوری‌ها باید در زمینه‌ی کنش و در صحنه واقعی زندگی به آزمون درآیند. نتیجه اولیه این نوع تحقیق، ایجاد تغییر در زندگی افراد ذی نفع است.

در این تحقیق، معرفت عملی^۲ اهمیت اساسی داشته و به دنبال آن، عمل اصالت می‌یابد. لذا تجربه‌های عملی، کلیه چیزهایی هستند که ما انجام می‌دهیم، احساس می‌کنیم، لذت می‌بریم و آنها را به عنوان واقعیت درک می‌کنیم (همان، ص ۲۸۰). اصولاً این نوع تحقیق بر پایه‌ی انتقاد نسبت به دنیا و کنش‌هایی که مردم انجام می‌دهند بنا شده است. از این جهت اصطلاحات عمل، ذهنیت انتقادی^۳، آموزش دو سویه^۴ و... اصطلاحات کاربردی در این نوع تحقیق هستند. در واقع، کاربرد این اصطلاحات نشان می‌دهد که این روش تحقیق، روش انسان‌محور بوده و به نقش فعال، پویا و انتقادی کلیه‌ی افراد ذی نفع در تحقیق پی برده است. از نظر میلر، این نوع تحقیق، به تولید گونه‌ای از دانش می‌پردازد که می‌توان گفت حاصل آزادی کسانی است که به تولید آن دانش پرداخته‌اند. دانش و معرفت کاملاً مبتنی بر کنش است و از سوی دیگر کنش هم مبتنی بر دانش است (میلر، ۱۹۹۷، ص ۶۶۰). تنها از طریق فرآیند دیالکتیکی کنش و بازتاب^۵، دانش معتبر حاصل می‌شود. به این ترتیب، می‌توان گفت نظریه‌سازی جنبه‌ی محلی^۶ به خود می‌گیرد و نظریه‌ها کاملاً تحت تأثیر ویژگی‌های موقعیتی هستند که در آن شکل گرفته‌اند (والکر، ۱۹۹۳، ص ۲).

مبانی فلسفی تحقیق اقدامی مشارکتی

تحقیق اقدامی مشارکتی تحت تأثیر دیدگاه‌های فلسفی متعدد و دامنه‌ای از تغییرات در علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد که در زیر به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. پراکسیس^۷: ارسطو، پراکسیس را هنر عمل کردن در موقعیتی می‌داند که فرد با آن روبه روست و قصد تغییر آن را دارد. پراکسیس با ثنوری که حالت انتزاعی دارد و تکنیک که به مهارت انسان بر می‌گردد، تفاوت دارد.

1. reflexive action.
3. critical subjectivity.
5. reflection.
7. praxis.

2. practical knowledge.
4. double-loop learning.
6. local.

۲. هرمنوتیک: ^۱ در حال حاضر از هرمنوتیک در تفسیر زبان، فرهنگ و تاریخ استفاده می‌شود، ایده اساسی در دایره‌ی هرمنوتیک این است که کسب معرفت بدون پیش فرض ممکن نیست. سنت هرمنوتیک، موقعیت روش‌شناختی محقق تحقیق اقدامی را بدین صورت تقویت می‌نماید که تفسیر محقق از نظام اجتماعی به صورت کامل، با تفسیر اعضای آن نظام منطبق نیست. محقق به دنبال فهم بالاتر از سیستم نسبت به فهم اعضای آن است.

۳. اگزیستانسیالیسم: ^۲ این دیدگاه به محدودیت‌های موجود در علم اثباتی توجه داشته و بر اهمیت ارزش‌ها و انتخاب و اختیار انسان‌ها تأکید دارد.

۴. پدیدارشناسی: ^۳ پدیدارشناسی در اصل بر اصالت تجربیات ذهنی به عنوان اساس معرفت تأکید دارد. تمرکز بر فرد یا گروه در پدیدارشناسی، منجر به تعقیب یک آینده بهتر بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مستتر در کنش و عمل انسان می‌گردد. این ارزش‌ها و هنجارها از زاویه دید عمل‌کنندگان مورد بررسی قرار می‌گیرند (ایمان، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱-۲۰۹).

فوکو معتقد است، انسان‌ها تحت ستم هستند و این امر ناشی از دو علت است: یکی اعمال نظام‌های کنترل و اقتدار گسترده و دیگری رویه‌ها و روش‌های پذیرفته شده‌ای که از طریق آنها زندگی شخصی و عمومی خود را می‌گذرانیم. تحلیل اصلی فوکو در مورد اشکالات اساسی ساختمان افکار و اندیشه‌های مبتنی بر روابط قدرت و دانش است که از طریق آنها، انسان‌ها به موضوعاتی برای مطالعه تبدیل شده‌اند. از دیدگاه او علوم انسانی و اجتماعی جزئی از فرآیند اعمال قدرت و روابط اقتدارآمیز بر انسان هستند (دریفوس و هیوبرت، ۱۳۷۶، ص ۱۵). از این منظر، رشد روش‌هایی که به محدودیت بشر در تارهای کنترل اجتماعی، قدرت گروه‌های خاص و علوم سنتی منتهی نشود، ضروری می‌نماید.

تأکید بر زبان محلی و مورد علاقه، راه کارهای پویا و کثرت‌گرا برای توسعه، هم‌زیستی و درک متقابل نظام‌های معنا، اعتبار صداها و عوالم دیگر، توجه به اختلاف سلیقه‌ها و گوناگونی‌ها، انعطاف‌پذیری و توافق‌های سازمانی، خلق فنون و روش‌ها به صورت محلی، خلق دانش و آگاهی از طریق بحث‌های آزادانه و باز، انعطاف در تعریف کاری که فرد انجام می‌دهد و طراحی مجدد ساختار روابط قدرت و اختیارات از جمله مسائلی هستند که به

1. hermenutic.

2. existensialism.

3. phenomenology.

پیدایش و گسترش نظریه‌های جدید در علوم انسانی و اجتماعی و از جمله به ایجاد و گسترش تحقیق اقدامی مشارکتی کمک کرده‌اند (استرینگر، ۱۳۷۸، ص ۱۸۸).

مبانی پارادایمی تحقیق اقدامی مشارکتی

هر یک از نظریه‌های سه‌گانه (اثباتی، تفسیری و انتقادی) شکل خاصی از علم را پیشنهاد کرده و برای راه یابی به دنیای واقعیت‌ها، از روش‌های خاصی استفاده می‌کنند. هر یک از پارادایم‌های مورد بحث دیدگاه‌های خاصی نسبت به هدف تحقیق، ماهیت واقعیت اجتماعی، ماهیت انسان، نظریه مورد تحقیق، صحت و اعتبار تبیین‌ها و ارزش‌های موجود دارند.

در نظریه‌ی انتقادی، هر تحقیقی با هدف افسانه‌زدایی و قدرت بخشی به مردم برای تغییر موقعیت و وضعیت موجود انجام می‌شود. از این منظر، جهان اجتماعی از طریق ساخت‌های پنهانی کنترل می‌شود. انسان‌ها موجوداتی خلاق هستند که اگر نیروی بالقوه‌ی خلاقیت را به ظهور نرسانند، در دام فریب‌ها و نیرنگ‌های اجتماعی گرفتار می‌شوند. در این رویکرد، معرفت عامیانه چیزی جز آگاهی کاذب نیست که نهایتاً به بی‌قدرتی می‌انجامد. نظریه در پارادایم انتقادی یک واقعیت انتقادی است که به مردم در دیدن و یافتن بهتر جهان کمک می‌کند. از دید منتقدان همه‌ی تحقیقات علمی جهت‌گیری ارزشی دارند.

همان‌طور که قبلاً گفته شد؛ تحقیق اقدامی، تحقیقی است که به منظور تغییر سیستم و ایجاد دانش انتقادی انجام می‌شود (اسکوبار، ۱۹۹۵، ص ۱۲). در این تحقیق کلیه‌ی افراد ذی‌نفع با بحث و گفت‌وگو به کشف و شناخت مسئله‌ی مورد نظر و ارائه راه حل عملی برای آن نائل می‌شوند. در اینجا افراد فعال و خلاق با همکاری یکدیگر به دنبال آزادی از قید و بندهای تحمیلی محیط خارج می‌باشند. آنها معتقدند که می‌توانند و باید تغییری در وضعیت موجود، ایجاد کنند تا راحت‌تر و بهتر به فعالیت خود ادامه دهند. هدف اصلی این نوع تحقیق، کمک به مردم در رهاسازی خود از قید ساختارهای اجتماعی غیر عقلانی، نابرابرانه و ناراضی‌کننده‌ای است که زندگی افراد را تحت کنترل در آورده است. بنابراین، این تحقیق بنا به تعریفی که از انواع پارادایم‌ها ارائه شد، در پارادایم انتقادی جای می‌گیرد. به لحاظ نظری، تحقیق اقدامی مشارکتی از منابع متعددی از جمله مارکسیسم، فمینیسم، و تئوری انتقادی تأثیر گرفته است (میلر، ۱۹۹۷، ص ۶۵۹).

مراحل انجام تحقیق اقدامی

فرآیند تحقیق اقدامی، شامل مراحل پیچیده‌ای است که برای سهولت امر، می‌توان آنها را به صورت ذیل خلاصه نمود:

مرحله اول: تعریف و توصیف مشکل مورد نظر؛

مرحله دوم: تجزیه، تحلیل و تفسیر به منظور افزایش درک جمعی نسبت به مسئله؛

مرحله سوم: ورود به مرحله‌ی عمل برای دست‌یابی به راه‌حل مشکلات.

شرح فعالیت‌های لازم در هر مرحله به شرح ذیل است:

تعریف و توصیف مشکل مورد نظر

در این مرحله فعالیت‌های ذیل انجام می‌شود:

۱. مذاکره و اجماع بر سر مسئله مورد نظر: وظیفه تحقیق اقدامی مشارکتی، ایجاد زمینه‌ای است که در آن افراد و گروه‌ها با تصورات، ادراکات و تعابیر مختلف بتوانند تصویری از موقعیت که برای همه قابل فهم باشد ارائه کنند.

۲. انجام فعالیت‌های اولیه: منظور از این فعالیت، ایجاد شرایطی است که همه‌ی افراد را علاقمندانه به فعالیت وادارد. این فعالیت‌ها عبارتند از: پرهیز از کاربرد زبان و طرح‌های مستبدانه؛ ارائه دستور کار به افراد و آگاه کردن آنها از اهداف و مقاصد تحقیق؛ طرز برخورد عادی و بی‌طرفانه محقق و اجتناب از هر اقدامی که تحقیق مشارکتی را با خطر مواجه کند؛ شناسایی گروه‌های ذی‌نفع و ارائه تصویر اولیه از محیط مورد مطالعه و اینکه چه کسانی و چگونه در این تحقیق مد نظر قرار می‌گیرند؛ شناسایی تاریخچه محیط اجتماعی و شناسایی مشکلات موجود از نظر مشارکت‌کنندگان و مسئولان.

۳. مشارکت در حیات عادی و واقعی گروه: برای مثال صحبت پیرامون رویدادهای معمولی، شرکت در فعالیت‌های غیررسمی و اوقات فراغت گروه و...

۴. تهیه گزارش از وضعیت موجود: تسهیل‌کننده تحقیق باید به گروه‌های ذی‌نفع؛ در تهیه و تدوین گزارش‌های تحلیلی منسجم و مورد توافق همه، در خصوص وضع موجود کمک کند. دو فعالیت بسیار اساسی این مرحله عبارتند از:

الف) جمع‌آوری اطلاعات: تسهیل‌کنندگان پژوهش، ضمن ملاقات با گروه‌های ذی‌نفع به روشی اصولی اطلاعات مورد نظر را گردآوری می‌کنند. برای مثال، روش مصاحبه‌ی هدایت

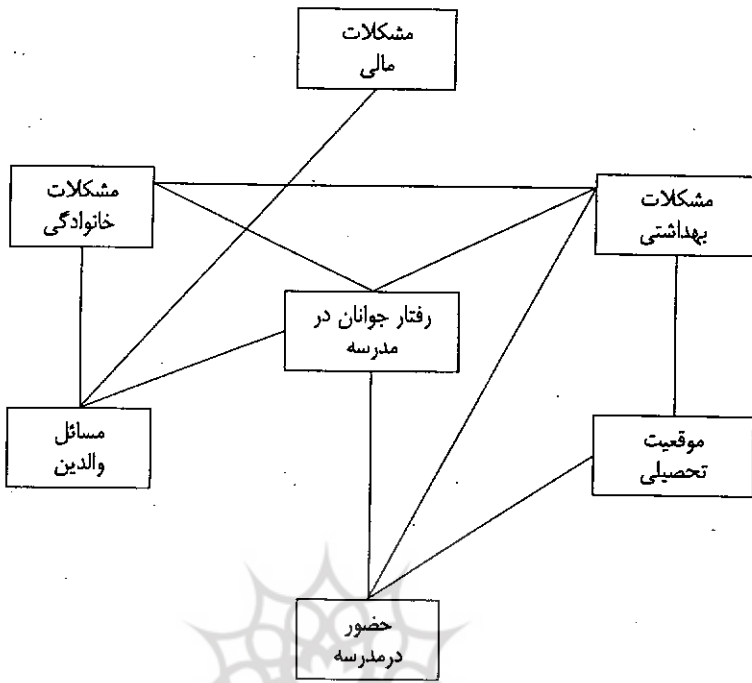
شده و دارای سؤالات باز، مشاهده مشارکتی و بررسی اسناد می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. طی این فرآیند، اطلاعاتی جمع‌آوری می‌شود که به مشکلات، مسائل و نگرانی‌های افراد گروه‌های ذی‌نفع می‌پردازد.

ب) تهیه گزارش‌های توصیفی: پس از جمع‌آوری اطلاعات، تسهیل‌کننده تحقیق باید به اعضای گروه کمک کند تا از وضعیت موجود گزارشی تهیه کنند. این کمک‌ها می‌تواند به برگزاری جلسات مقدماتی بیانجامد. این جلسات باید در مکان‌های مناسب و در شرایط مناسب برای رویارویی افراد برگزار شود. در تشکیل و برگزاری جلسات مقدماتی مسائلی نظیر سازماندهی جلسات، شرایط حضور مشارکت‌کنندگان و رهبران، مکان برگزاری و نحوه‌ی تصمیم‌گیری نهایی اهمیت اساسی دارد.

تجزیه، تحلیل و تفسیر به منظور افزایش درک جمعی نسبت به مسئله

در این مرحله تسهیل‌کننده پژوهش باید به گونه‌ای قابل درک، تجربیات پیچیده‌ی تحت بررسی را تفسیر و ارائه کند. تفسیر از طریق چارچوب‌های مفهومی، توصیفی را ارائه می‌کند که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا تجربیاتشان را بهتر درک کنند. در این فرآیند از مفاهیم نزدیک به تجربه، که از زندگی روزمره افراد گرفته شده، به جای مفاهیم نظری برگرفته از علوم رفتاری، برای تبیین و روشن ساختن معانی و کمک به افراد در آشکار ساختن تجربیات خود استفاده می‌شود. فعالیت تفسیری، آن دسته از ساختارهای مفهومی و نظریه‌های واقع‌بینانه‌ای را که مردم از آنها برای شرح اعمال خود استفاده می‌کنند، آشکار می‌کند (استرینگر، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵). در این مرحله پژوهش‌گر برای تفسیر تجربیات باید این مراحل را طی کند: تشکیل جلسه و تهیه و تنظیم دستور کار؛ بررسی گزارش‌های توصیفی یا مرور کلیه‌ی گزارش‌های سابق؛ تهیه و تنظیم گزارش‌های تفسیری؛ تقسیم مشارکت‌کنندگان به گروه‌های کوچک و ایجاد توالی و نظم فعالیت‌های توصیف شده در چارچوب تفسیری برگزیده توسط آنان؛ ارائه گزارش‌های تفسیری؛ تجزیه و تحلیل گزارش‌های تفسیری و تهیه گزارش تفسیری مشترک.

در این مرحله گروه باید به تشخیص مشکل اصلی؛ ریشه‌های اصلی مشکل؛ دیگر عوامل مهم مربوط به آن ریشه‌ها و پیش‌زمینه‌ها؛ نتایج و عواقب منفی عمده و دیگر نتایج مهم تحقیق اقدام کند.



نمونه‌ای از نقشه یا نمودار مفهومی

ورود به مرحله‌ی عمل برای دست‌یابی به راه‌حل مشکلات

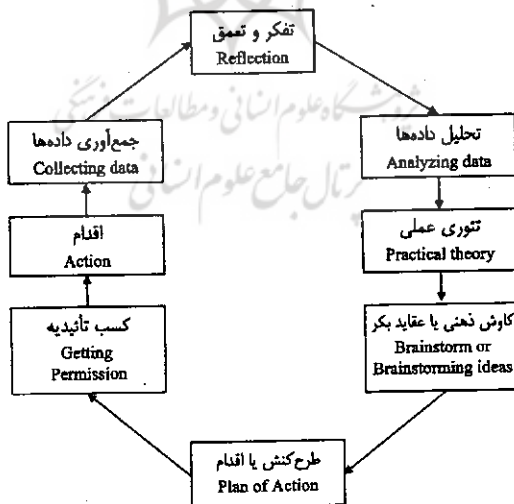
در این مرحله فعالیت‌های زیر انجام می‌گیرد:

۱. برنامه‌ریزی: این فعالیت، تعیین اولویت‌های جامعه و تعریف وظایف را در بر دارد. این برنامه‌ریزی با جلب نظر همه‌ی گروه‌های ذی‌نفع در تحقیق امکان‌پذیر است. به بیان دیگر در این فعالیت، همه‌ی گروه‌های ذی‌نفع باید در تعیین اولویت‌ها درگیر شوند. بعد از اولویت‌بندی می‌توان آنها را به صورت مجموعه‌ای از اهداف بلندمدت، اهداف عملیاتی و وظایف دوباره بیان کرد. کنترل کیفیت به منظور کسب اطمینان از تداوم فعالیت‌های مشارکتی و جامعه‌گرا از دیگر اقداماتی است که در این مرحله باید انجام شود؛ برای مثال باید به این پرسش‌ها به دقت پاسخ داد که آیا روابط در این مرحله برابر و مساوی است؟ و آیا روابط گروهی در این مرحله تشویق می‌شود؟

۲. اجرا: معمولاً بهترین برنامه‌ها و طرح‌ها در جریان اجرا با واقعیت سخت و دلسردکننده‌ی زندگی روزانه مواجه می‌شوند. بنابراین، تسهیل‌کنندگان پژوهش باید برای ترغیب مشارکت‌کنندگان، فعالیت‌هایی خاص انجام دهند. برای مثال: حمایت‌های عاطفی و سازمانی لازم را برای حفظ مشارکت‌کنندگان در مسیر تحقیق ارائه کنند، فرآیندهای گروهی معقولی را الگو سازی کنند، مشارکت‌کنندگان را به یک شبکه ارتباطی حمایت‌کننده پیوند دهند.

۳. بررسی مجدد: مشارکت‌کنندگان باید به منظور بررسی پیشرفت خود مرتب با یکدیگر ملاقات کنند.

۴. ارزیابی: به گفته استرینگر، این روش ارزیابی، موافق فلسفه ساخت‌گرایانه است که در بطن تحقیق اقدامی نهفته است. این روش نتایج و پیامدها را در قالب دستاوردهای قابل قبول برای افراد ذی‌نفع در تحقیق ارائه می‌کند (استرینگر، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲). اگر نتایج حاصله، نتایج دلخواه مشارکت‌کنندگان نباشد، مراحل قبلی از نو آغاز می‌شود. پاملا جوکی و همکارش سعی کرده‌اند، مراحل انجام تحقیق اقدامی را به صورت نموداری که در صفحه‌ی بعد ملاحظه می‌کنید، توصیف کنند.



دیاگرام مراحل انجام تحقیق اقدامی

نتیجه گیری

روش های تحقیق پوزیتیویستی، تنها روش هایی نیستند که در حوزه ی علوم انسانی کاربرد تام داشته باشند؛ چرا که در حوزه ی مورد نظر، معرفت علمی از ثبات، عینیت و قابلیت تعمیم بسیار کمتری نسبت به آنچه که قبلاً تصور می شد، برخوردار است، مضاف بر اینکه بسیاری از صاحب نظران، تفاوت بین ماهیت دنیای اجتماعی و دنیای فیزیکی را پذیرفته اند. پارادایم انتقادی با نگرش متمایز نسبت به انسان، جهان، دانش و رسالت دانش، عرصه ی تحقیقاتی متفاوتی به پژوهشگران و دست اندرکاران مسائل انسانی ارائه داده است. در این پارادایم کنش و دانش، دو مقوله جداگانه تصور نمی شوند، بلکه یکی بر شانه های دیگری ایستاده است. به این ترتیب، افراد مورد مطالعه و کسانی که با مسئله مورد تحقیق درگیر هستند به افراد ذی نفع تبدیل می شوند که باید در کلیه ی مراحل تحقیق حضوری فعال و پویا داشته باشند. تحقیق اقدامی مشارکتی در زمینه هایی مثل مسائل سازمانی، امور بهداشتی، مددکاری، مسائل زنان و ... با این پیش فرض که افراد مورد مطالعه فقط موضوعاتی برای تحقیق نیستند، بلکه همکار پژوهشگر تلقی می شوند، آنها را به مشارکت و همکاری فرامی خواند. هدف از این مشارکت، استفاده از دانش فردی و پرورش آن در فرآیندی گروهی به منظور تغییر در وضعیت موجود اجتماعی و بهبود شرایط افراد به عنوان کنش گرانی فعال، پویا، تصمیم گیرنده، متکی به نفس و قدرتمند است.

در این تحقیق، کلیه ی مشارکت کنندگان در تعیین و تعریف مسئله مورد تحقیق، انتخاب ابزار مطالعه و نحوه ی استفاده از نتایج پژوهش دخالت می کنند. این تحقیق به ارتباط و پیوند عمیق فرد با جمع اهمیت می دهد و معرفت ها، ادراکات، مهارت ها و ارزش های افراد را در ارتباط با دیگران به چالش می کشد و در نهایت به افراد کمک می کند تا خود را از قید و بند ساخت های اجتماعی غیر عقلانی، ستمگرانه، و ناعادلانه رها سازند. این تحقیق به روشنی سرشار از جهت گیری های عملی و ارزشی است؛ به این ترتیب، این تحقیق علاوه بر تغییر در وضعیت موجود و بهبود شرایط افراد مورد بررسی، به تولید دانش محلی، که مبتنی بر وضعیت ویژه و شرایط خاص یک گروه انسانی مشخص است، منجر می شود. دانش محلی در برابر دانش عام، مورد ادعای پارادایم اثباتی قرار می گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. استرینگر، ارنست تی؛ «تحقیق عملی، راهنمای مجریان تغییر و تحول». ترجمه‌ی سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸.
۲. ایمان، محمدتقی؛ تحقیق برای عمل بررسی کلی در سازمان. «مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد»، بهار و تابستان، ص ۲۱۴-۲۰۳، ۱۳۷۹.
۳. دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل؛ «میشل فوکو، فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک» ترجمه‌ی حسین بشیریه، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.
4. Aspland, T and Brooker, R. (1998) "A pathway for postgraduate teaching" in Atweh, B, et al (eds) *Action research in practice partnership for social justice in education*, New York, Routledge.
5. Atweh, B and kemmis, S. (1998) "From meta-project to network", in Atweh, B, et al (eds) *Action research in practice Partnership for social justice in education*, New York, Routledge.
6. Atweh, B, Christensen, C and Dornan, L. (1998) "Students as action researcher partnerships for social justice", in Atweh, B, et al (eds) *Action research in practice partnership for social justice in education*, New York, Routledge.
7. Calhoun, E. (1993) "Action research: three approaches" *Educational Leadership*, vol 36, NO 10, October, PP:62-65.
8. Chataway, CJ. (1997). "An examination of the constraints on mutual inquiry in a participatory action research project" *journal of Social Issue*, vol 53, No 4, PP:742-765.
9. Davis, J and Cook, S. (1998) "Parents as partners for educational change", in Atweh, B et al (eds) *Action research in Practice Partnership Justice in Education*, New York, Routledge.
10. Escobar, E. (1995) "Action research" *Journal of Marriage and the Family*, Vol 15, No 7, PP:8-16.
11. Jokay, P and Fitzgerald, M. (1997) "Parents+teachers+action research= real involvement", *Teaching Exceptional Children*, sept/oct, pp:8-11.

12. Kemmis, S and Wilkinson, M. (1998) "Participatory action research and the study of practice", in Atweh, B et al (eds) *Action Research in Practice Partnership for Social Justice in Education*, New York, Routledge.
13. Macpherson, I et al. (1998) "A journey into a learning partnership", in Atweh, B et al (eds) *Action Research in Practice Partnership for Social Justice in Education*, New York, Routledge.
14. Miller, MB. (1997) "Participatory action research: Psychology and social chang". *Journal of Social Issue*, Vol 53, No. 4 PP: 657-666.
15. Reason, P. (1998) "Three approaches to participative inquiry", in Denzin, NK and Lincoln, V (eds) *Strategies of Qualitative Inquiry*, New Delhi, Sage Publication.
16. Robinson, V. (1993) *Problem-Based Methodology. Research for the Improvement of Practice*, New York Pergamon press.
17. Schubert, M. (1996), "Using participatory action research". *Report Review*, vol. 18: No, 3. PP: 232-234.
18. Scott, D and Weeks, P. (1998) "Action research as reflective collaboration", in Atweh, B et al (eds) *Action Research in Practice Partnership for Social Justice in Education*, New York, Routledge.
19. Walker, MI. (1993) "participatory action research" *Rehabilitation Counseling Buletin*, Vol 37, No, 1: 2-6.
20. Watters, J and et al. (1998) "Accusional visits to the kingdom part- time niversity teaching" in Atweh, B etal (eds) *Action Research in Practice Partnership for Social Justice in Education*, New York, Routledge.